

فرهنگ‌های فارسی

دکتر محمد معین

نخستین فرهنگ‌های فارسی*

فرهنگ‌های فارسی که در هند تألیف شده است

نقایص فرهنگ‌های فارسی

فعالیت‌هایی که برای رفع نقایص فرهنگ‌های فارسی در جریان است .

نخستین فرهنگ فارسی (پس از اسلام) که نام آن بما رسیده «رساله ابو حفص سغدی» یا «فرهنگ ابو حفص سغدی» است که تا اوایل قرن یازدهم هجری وجود داشته و مؤلفان فرهنگ‌های جهانگیری ورشیدی از آن نقل کرده‌اند . بعضی این رساله را تألیف ابو حفص حکیم بن احوص سغدی که نوعی رود - بنام شهرود - را اختراع کرده و در حدود سال ۳۰۰ ه . ق . میزیسته میدانند . و برخی مؤلف را شخصی دیگر گمان برده‌اند که در اواسط قرن پنجم هجری میزیسته^۱ از این فرهنگ اکنون اثری نیست .

دومین فرهنگ که نامش بما رسیده «تفاسیر فی لغة الفرس» تألیف قطران شاعر معروف است این مطلب از لغت فرس اسدی و کشف الظنون حاج خلیفه تأیید میشود ازین فرهنگ هم اثری در دست نیست ولی نسخی خطی بنام فرهنگ قطران در کتابخانه‌ها موجود است که تلخیصی است از فرهنگ اسدی . اولین فرهنگ فارسی موجود لغت‌نامه یا لغت فرس تألیف ابومنصور علی بن احمد اسدی طوسی شاعر معروف قرن نهم

* در مقاله حاضر ما بفرهنگ‌های اختصاصی و موضوعی و فرهنگ‌های لهجه‌های ایرانی یا فرهنگ‌های دو و سه‌زبانه توجهی نداریم و فقط از فرهنگ‌های فارسی بفارسی بحث میکنیم .

۱ - سعید نفیسی مقدمه برهان قاطع مصحح م - معین ج ۱ ص شصت و هشت .

هجری است. در این کتاب بسیار تصرف کرده و مطالبی بر آن افزوده‌اند بطوریکه نسخ خطی آن یا هم اختلاف بسیار دارد و حتی بین دو چاپ هرن و چاپ اقبال اختلافی فاحش موجود است. بنیاد بابهای این کتاب بر حرف آخر است.

دومین فرهنگ فارسی موجود صحاح الفرس تألیف شمس‌الدین محمد بن فخرالدین هندوشاه نخجوانی مشهور به شمس منشی نویسنده قرن هشتم است (تألیف ۷۲۸ هـ. ق) و آن شامل ۲۵ باب است که دارای حدود ۴۳۰ فصل و ۲۳۰۰ لغت است. بنیاد بابهای این کتاب نیز بر حرف آخر است. سپس در همان قرن شمس فخری اصفهانی در معیار جمالی و مفتاح ابواسحاق یك فصل (چهارم) را به لغت فرس تخصیص داد و این بخش سومین فرهنگ موجود فارسی بشمار میرود.

در همین قرن هشتم چون گروهی از سلسله‌های پادشاهان مسلمان و فارسی‌زبان در هند حکومت داشتند و مردم هند احتیاج بفرآ گرفتن زبان فارسی را - که زبان دربارها بود - بیش از پیش احساس میکردند بتألیف فرهنگ فارسی دست زدند.

نخستین فرهنگی که در هند نوشته شد تألیف مبارک شاه غزنوی مشهور به فخر قواس (متوفی ۷۱۶ هـ. ق) است بنام فرهنگ قواس^۲.

سپس محمد بن قوام بن رستم بن محمود بدر خزانه بلخی معروف به کری کتاب «بحر الفضائل فی منافع الافاضل» را تألیف کرد (اواخر قرن هشتم)^۳.

پس از قاضی خان بدر محمد دهلوی معروف به دهاردال در ۸۲۲ هـ. ق «اداة الفضلاء» را برشته نگارش در آورد.

در اوایل قرن نهم ابراهیم قوام فاروقی در ولایت بهار هند شرف‌نامه را بنام مرشد خود شرف‌الدین احمد منیری تألیف کرد^۴ محمد بن داود بن محمود بسال ۸۷۳ هـ. ق مفتاح الفضلاء را تدوین کرد^۵.

محمد بن شیخ ضیاء در زمان اسکندر بن بهلول شاه، کتاب «تحفة السعاده» را بسال ۹۱۶ هـ. ق برشته نگارش در آورد. در اوایل قرن دهم کتاب «مؤید الفضلاء» را محمد لاد تألیف کرد و نیز در اوایل همان قرن کشف اللغات توسط عبدالرحیم بن احمد سور تألیف شد و همچنین در همان اوان حسین وفائی فرهنگ وفائی را بسال ۵۳۳ هـ. ق. تألیف کرد.

در اواسط قرن مذکور «فرهنگ شیرخانی» یا «فوائد الصنایع» تألیف شد و خلاصه آن بنام «زبدة الفوائد» بسال ۹۵۵ تنظیم گردیده^۷. همچنین در همان قرن فتح‌الکتاب «بقلم ابوالخیر بن سعد انصاری بنام فتح‌خان الهنی بسال ۹۹۱ هـ. ق»

برشته تحریر درآمد^۸.

در پایان قرن مذکور «مجمع اللغات» توسط ابوالفضل وزیر جلال‌الدین اکبر شاه تألیف شد (سال ۹۹۴ هـ. ق)^۹. اما در ایران در زمان شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴) میرزا ابراهیم شاه حسین اصفهانی فرهنگی تألیف کرد که بنام «فرهنگ میرزا ابراهیم» معروف است^{۱۰}.

در اوایل قرن یازدهم محمد قاسم متخلص به سروری کاشانی ابن حاج محمد «مجمع الفرس» را بسال ۱۰۰۸ هـ. ق تألیف کرد. چون این فرهنگ بهند رسید مؤلف جهانگیری از آن استفاده کرد و سپس فرهنگ جهانگیری بایران وارد شد و سروری در تجدیدنظر فرهنگ خود آنرا مورد استفاده قرار داد^{۱۱}.

همچنین در اوایل قرن یازدهم در هند «مدار الافاضل» بقلم «الله داد فیضی بن اسد العلماء علی شیر سرهندي» برشته نگارش درآمد (سال ۱۰۰۱ هـ. ق)^{۱۲}.

جمال‌الدین حسین بن فخرالدین حسن انجوی شیرازی در سال ۱۰۰۵ هـ. ق «فرهنگ» خود را بنام اکبر پادشاه هندوستان شروع و در ۱۰۱۷ بیان رسانیده و سپس در آن تجدیدنظر کرد و در سال ۱۰۳۲ نسخه مجددی از آن پادشاه هند جهانگیر بن اکبر عرضه داشت^{۱۳}.

در همان قرن «چهار عنصر دانش» در زمان سلطنت جهانگیر (۱۰۱۴ - ۱۰۳۷) توسط امان‌الله ملقب به خانه زادخان فیروز جنگ برشته تألیف درآمد^{۱۴} نیز علی محمد شیخ عبدالحق

- ۲- رك: فرهنگ نظام ج (۵) مقدمه ص ۴ د (حاشیه) و ص ط
- ۲- ایضاً ص ۱۰۹ ط ی.
- ۳- ایضاً ص ۱۰ ی.
- ۴- ایضاً ص ۱۱ یاء.
- ۵- ایضاً ص ۱۲ یب.
- ۶- ایضاً ص ۱۳ یج - ۱۴ بد.
- ۷- ایضاً ص ۱۵ بد.
- ۸- ایضاً ص ۱۵ یه - ۱۶ یو.
- ۹- ایضاً ج ۵ مقدمه ص ۱۵ یه.
- ۱۰- رك - مقدمه برهان قاطع مصحح نگارنده دیباجه ص هشتاد و یک - هشتاد و پنج.
- ۱۱- فرهنگ نظام ج ۵ ص ۱۷ یز - ۱۹ بط.
- ۱۲- فرهنگ نظام ص ۱۶ یو - ۱۷ یزد.
- ۱۳- رك برهان قاطع. مصحح نگارنده ج ۱ مقدمه ص هشتاد و یک - هشتاد و پنج (بقلم اصغر حکمت) مقدمه لغت نامه ص ۱۹۶ - ۱۹۷ (تکرار مقاله. برهان) فرهنگ نظام ج ۵ مقدمه ص ۱۹ بط یعد.
- ۱۴- فرهنگ نظام ج ۵ ص ۲۴ - کد.

دهلوی کتاب «جمع الجوامع» را بسال ۱۰۳۹ تألیف کرد^{۱۵}
عبداللطیف بن عبدالله کبیر گجراتی (متوفی ۱۰۴۸) لطایف اللغات
را تدوین کرد^{۱۶}.

محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان در سال
۱۰۶۲ برهان قاطع را تألیف کرد^{۱۷}.

دو سال پس از تألیف برهان یعنی در ۱۰۶۴ ه. ق.
عبدالرشید بن عبدالغفور حسینی مدنی از مردم تنه (سند) فرهنگ
رشیدی را برشته تحریر درآورد^{۱۸}.

در قرن دوازدهم «سراج اللغات و چراغ هدایت» بقلم
سراج الدین علی خان اکبر آبادی متخلص به آرزو درهند تألیف
و منتشر شد^{۱۹}. محمود بن شیخ عبدالواحد بن قاضی شمس الدین
ساکن بریلی، محمود اللغات را در سال ۱۱۵۰ ه. ق. تدوین
کرد^{۲۰}.

بیک چند تخلص به بهار، فرهنگ بهار عجم را بسال
۱۱۵۲ ه. ق. با تمام رسانید^{۲۱}.

در قرن سیزدهم در ایران «برهان جامع» توسط محمد
کریم تبریزی تألیف و در ۱۲۶۰ ه. ق. در تبریز چاپ شد
و آن خلاصه برهان قاطع است و در حاشیه بعضی شواهد لغات
افزوده شده.

انجن آراء بقلم رضاقلی خان هدایت الله باشی در همین قرن
منتشر شد. (خاتمه تألیف ۱۲۸۸ ه. ق.) نیز در این قرن درهند
کتابهای ذیل تألیف شد:

قسطاس اللغة شیخ نورالدین محمد معروف به محمد
یوسف متخلص بحکیم (آغاز تألیف ۱۲۱۴ ه. ق.)^{۲۲}.

در سال ۱۲۲۰ ه. ق. «شمس اللغات» تألیف و انتشار
یافت^{۲۳} و اصطلاحات شعرا تألیف «رحیم الدین بن کریم الدین»
در همین قرن منتشر شد^{۲۴}.

«هفت قازم» در زمان غازی الدین حیدر پادشاه اود
(جلوس ۱۲۲۹ ه. ق.) توسط قبول محمد ندوین و تنظیم
شد^{۲۵}. غیاث اللغات تألیف محمد غیاث الدین بن جلال الدین
رامپوری در ۱۲۴۲ ه. ق. پایان یافته^{۲۶}. «تسهیل اللغات»
تألیف شیخ احمد متخلص به حسرت بن محمد علی بن عبدالصانع
بسال ۱۲۵۹ ه. ق. با تمام رسید^{۲۷}.

«بحر عجم» تألیف محمد حسین متخلص به راقم و ملقب
به افضل الشعرا شیرین سخن خان در همین قرن منتشر شده (آغاز
تألیف ۱۲۶۸ ه. ق.)^{۲۸}.

«ارمغان آصفی» توسط محمد عبدالغنی خان متخلص
به غنی بنام میر محبوب علی شاه آصف ششم پادشاه دکن بسال

۱۲۹۰ ه. ق. تألیف گردید^{۲۹}.

در قرن چهاردهم فرهنگهای ذیل درهند تألیف شد:
در آغاز قرن مزبور «فرهنگ آندراج» توسط محمد پادشاه
متخلص به شاد بن غلام محیی الدین منشی مهاراجه «آندراج»
راجه ولایت ویجی نگر تألیف و منتشر شده (پایان تألیف ۱۳۰۶
ه. ق.)^{۳۰}.

«آصف اللغات» تألیف نواب عزیز جنگ بهادر (متوفی
۱۳۴۳ ه. ق.) در ۱۷ جلد تا حرف جیم منتشر شده و مؤلف
موفق با تمام آن نگردیده^{۳۱}.

«نقش بدیع» تألیف وجاهت حسین عندلیب شادانی
رامپوری در سال ۱۳۴۲ ه. ق. در لاهور بچاپ رسیده.

«فرهنگ نظام» تألیف سید محمد علی داعی الاسلام ایرانی
بنام نظام دکن در پنج جلد تألیف و در حیدرآباد دکن (۱۳۴۶-
۱۳۵۸ ه. ق.) بطبع رسیده.

در ایران فرهنگهای ذیل تألیف شده:

«فرهنگ ناظم الاطباء» یا «فرنودسار» تألیف دکتر
میرزا علی اکبر خان نفیسی ناظم الاطباء (متوفی ۱۳۴۴ ه. ق.)
در پنج جلد^{۳۲} که دوبار طبع شد.

فرهنگ «نوبهار» باهتمام محمد علی تبریزی خیابانی که
در ۲ مجلد در تبریز بسال ۱۳۰۸ ه. ق. بچاپ رسیده و آن

۱۵- ایضاً ص ۲۵ کد.

۱۶- ایضاً ص ۲۵ که - ۲۶ کو.

۱۷- رڪ مقنمه برهان. مصحح نگارنده.

۱۸- ایضاً ص ۲۷ کر بیعد.

۱۹- ایضاً ص ۳۱ لا - ۳۲ لب.

۲۰- ایضاً ص ۴۲ مپ.

۲۱- ایضاً ص ۴۳ مچ.

۲۲- ایضاً ص ۴۵ مه.

۲۳- نام مؤلف ذکر نشده ولی بسپرستی مستر جوزف برتیو جونیر

صاحب انجام یافته (فرهنگ نظام ایضاً ص ۴۵ مه).

۲۴- ایضاً ص ۴۶ مو.

۲۵- فرهنگ نظام ص ۴۶ مو و رڪ. برهان مصحح نگارنده ج

۵ ص ۱۷.

۲۶- فرهنگ نظام ایضاً ص ۴۶ مو - ۴۷ مز مقدمه غیاث اللغات

طبع دبیرسیاقی.

۲۷- فرهنگ نظام ایضاً ص ۴۷ مز.

۲۸- ایضاً ۴۷ مز.

۲۹- ایضاً ۴۹ مط.

۳۰- ایضاً ص ۴۹ مط.

۳۱- ایضاً ص ۴۹ مط - ص ۵۰ ن.

۳۲- رڪ. مقدمه فرهنگ مذکور بقلم سعید نفیسی.

تلخیصی است از انجمن آرای ناصری .

درسی سال اخیر اهتمام بیشتری درباره تألیف و انتشار فرهنگهای فارسی بعمل آمده که از جمله آنها از سلسله فرهنگهای عمید، فرهنگ آموزگار، فرهنگ فارسی دکتر مکرزی، فرهنگ امیرکبیر، فرهنگ اورنگ، فرهنگ گیلانی، فرهنگ طباطبائی، فرهنگ کاوه و فرهنگ معین باید نام برد .

*

دائرة المعارف - بمعنائیکه نزد غربیان معهود است، در ایران متداول نبود اما چند دائرةالعلوم مجموعه شامل علوم مختلف تألیف شده در عصر ما دو دائرةالمعارف تدوین گردیده تحت طبع میباشد .

۱ - لغت نامه دهخدا تألیف علی اکبر دهخدا که بمنزله فرهنگ دائرةالمعارفی است در سال ۱۳۲۵ ه. ش. طبع آن از طرف مجلس شورا بملی ایران آغاز گردید و سپس ادامه طبع آن بمعهد دانشگاه تهران (دانشکده ادبیات) محول شد و تاکنون ۱۲۰ مجلد آن طبع شده و آن مشروح ترین فرهنگ و دائرةالمعارف فارسی است.

۲ - دائرةالمعارف دیگر ترجمه و تلخیص گونه ایست از Columbia University Desk - Encyclopedia که نخست توسط مؤسسه فرانکلین ایران بترجمه آن اقدام شده و اکنون تحت نظر بنیاد فرهنگ ایران بکار خود ادامه میدهد و بزودی جلد اول آن منتشر خواهد شد.

نقایص فرهنگها

فرهنگهای فارسی که از قرن پنجم تا این اواخر تألیف شده اند بطور کلی دارای نقایص هستند که مهمترین آنها از این قرار است :

۱ - بیشتر توجه مؤلفان بلغات مشکل دور از ذهن مخصوصاً لغاتی که در شعر بکار میرود معطوف بوده و در نتیجه بسیاری از لغات معمول و متداول عصر خود و عصرهای پیش را یاد نکرده اند .

۲ - کمتر به تعریفات لغات پرداخته اند و در عوض آنها را با یک یا چند مترادف شناسانده اند و چون بآن مترادف یا مترادفات مراجعه کنید میبینید که آنها بلغت اولی ارجاع شده و بدین ترتیب دور پدید میآید. مخصوصاً در تعریفات لغات مربوط بگیاهان و جانوران کاملاً مسامحه شده و بسیاری از لغات را که مؤلف میشناخته بجای تعریف و تحلیل فقط بجمله « معروف است » اکتفا گردیده .

۳ - بسیاری از لغات را مصحف و معترف ثبت کرده اند و این امر غالباً بسبب خط عربی، فارسی پیش آمده که در آن

امتیاز حروف از یکدیگر وابسته به نقطه هاست و همین نقطه گذاری خود موجب تصحیف و تحریف بسیار شده . کاتبان متون نظم و نثر و لغت نامه ها هم بسبب عدم اطلاع هرج و مرجی ایجاد کرده اند و در نتیجه يك لغت بصورت های مختلف (گاه تاده و پاتزده صورت) نقل شده .

۴ - تلفظ کلمه را بدو صورت یاد کرده اند : ۱ - ذکر حرکات و سکنات که هم مایه اطناب و تفصیل و فهم آن برای بسیاری از مراجعان مشکل و هم فاقد دقت از لحاظ تلفظ بعض کلمات است. ۲ - ذکر هم وزن در بسیاری از موارد که خواننده تلفظ هم وزن را نمیداند دچار اشکال میشود .

۵ - وجه اشتقاق و ریشه لغات را نشان نداده اند و در مواردی هم که اظهار نظر کرده اند فقه اللغه عامیانه را بکار برده اند. ۶ - هویت دستوری (گرامری) را نشان نداده اند .

۷ - لغات متشابه که از زبانهای مختلف (مثلاً زبانهای سامی و زبانهای هند و اروپائی) یا از زبانهای ایرانی ناشی شده اند ولی از ریشه های مختلف هستند همه را ذیل يك ماده آورده با هم خلط کرده اند .

۸ - مواد را بترتیب منطقی نقیصی ضبط نکرده اند مثلاً عده ای حرف آخر را ملاک قرار داده اند و گروهی حرف دوم را و آنها هم که حرف اول را مستند دانسته اند همه حروف کلمه را مراعات نکرده اند .

۹ - بعضی از فرهنگها تقریباً کلیه لغات عربی را که بسیاری از آنها در فارسی بهیچوجه مورد استعمال ندارد در فرهنگ خود آورده اند .

این نقایص موجب گردید که در عهد حاضر فاضلان ایرانی کمر همت بر بندند و برفع آنها بکوشند .

فرهنگستان ایران هم پس از تأسیس اولین وظایف خود را « ترتیب فرهنگ بقصد رد و قبول لغات و اصطلاحات در زبان فارسی اختیار الفاظ و اصطلاحات در هر رشته از رشته های زندگانی یا سعی در این که حتی الامکان فارسی باشد جمع آوری لغات و اصطلاحات پیشه وران و صنعتگران جمع آوری الفاظ و اصطلاحات از کتب قدیم جمع آوری لغات و اصطلاحات » ولایتی قرار داده .

بعضی فرهنگها توسط مؤلفان بطور انفرادی و برخی بطور دسته جمعی و همچنین برخی مؤسسات دولتی یا وابسته بدولت بتألیف فرهنگهای مختلف مشغولند و تاکنون پیشرفتهائی در رفع معایب و نقایص مذکور بعمل آمده و امیدواری حاصل است که در ظرف چند سال فرهنگ مستند و مستند Standard فارسی تألیف و منتشر شود .